

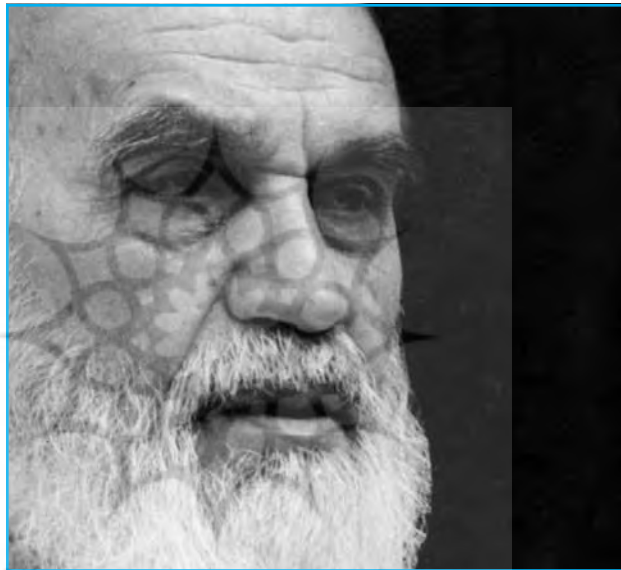
نقش امام خمینی (ره)

اسدالله رضایی

سرگروه علوم اجتماعی، خراسان شمالی

در احیای هویت ایرانی اسلامی

کارشناس ارشد رشته جامعه‌شناسی



چکیده

در حوزه روان‌شناسی اجتماعی معمولاً موضوع تأثیر متقابل «فرد» و «نظام اجتماعی» بررسی و مطالعه می‌شود. نظام اجتماعی ماهیتش را از احاد افراد موجود در مجموعه‌ای که با هم کنش متقابل دارند می‌گیرد. به عبارت دیگر، یک‌یک افراد در کنار هم جامعه را می‌سازند. وقتی جامعه متشکل از افراد ایجاد شد، خود پدیده‌ای جدید می‌شود که با هر یک و یا هر گروه از افراد که در شکل دادن به آن نقش اساسی دارند بسیار متفاوت است. با این‌که قوام جامعه بر وجود افراد مبتنی است، ولی جامعه نیز فرد را از خودش متأثر می‌کند. به رفتارش جهت می‌دهد، کنترلش می‌کند و او را آموزش می‌دهد. در یک کلمه، جامعه تا حدود زیادی آن‌گونه که می‌خواهد فرد را می‌سازد و آن‌قدر روی او تأثیر می‌گذارد که می‌توانیم بگوییم فرد، بدون جامعه و نظام اجتماعی، نمی‌تواند

«انسان» باشد، بلکه موجودی است همانند حیوان. ولی همین فرد تا این حد متأثر از جامعه، صرفاً پدیده‌ای منفعل و تأثیرپذیر نیست. بلکه گاهی با همه آن ظاهر کوچکش در مقابل جامعه، به‌عنوان یکی از اجزا و عناصر آن، چنان مؤثر می‌شود که همانند موتور محرکه‌ای قدرتمند، کل جامعه را با همه عظمتش متحول می‌کند، چنان‌که گویی این جامعه آن جامعه قبلی نیست.

در این مقاله بر آنیم که نقش مؤثر امام خمینی (ره) بر انقلاب اسلامی را با تأکید بر جنبه عینی هویت‌بخشی اسلامی به جامعه ایران، در کنار دیگر صاحب‌نظران و مصلحان جامعه بررسی کنیم.

کلیدواژه‌ها: بازگشت به خویشتن، هویت اسلامی، رهبری، مقاومت، وفاق اجتماعی، جلال آل احمد، علی شریعتی، شهید مرتضی مطهری

مقدمه

از زمان ناصرالدین شاه قاجار، ضرورت تحول در جامعه ایرانی به صورت جدی احساس و مطرح شد. در این رهگذر صاحب‌نظران و اندیشمندان متعددی در حوزه اندیشه و عمل وارد شدند تا با تلاشی پیگیر، جامعه را از دو آسیب «استعمار» و «استبداد» که مانعی جدی بر سر راه پیشرفت و توسعه کشور بود نجات دهند. بنابراین دو قطب فکری و فرهنگی جامعه ما، یعنی دانشگاه و حوزه علمیه، که می‌دیدند فرهنگ غرب به صورت غالب در شکل استعمار خارجی و به کمک استبداد داخلی، یورش می‌دهد را علیه فرهنگ جامعه آغاز کرده است، راهی برای مقابله جست‌وجو کردند. این سیر تکاملی تاریخی، از سیدجمال‌الدین اسدآبادی شروع شد و با انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) به تکامل و پیروزی رسید. در این مقاله، نقش مؤثر این جریان یعنی شخصیت‌هایی همچون جلال آل احمد، دکتر علی شریعتی و شهید مرتضی مطهری را بررسی می‌کنیم.

سیدجمال‌الدین اسدآبادی

سیدجمال در مقابله با غرب از اولین اندیشمندانی بود که بازگشت به خویشتن را با محور قرار دادن موارد زیر مطرح کرد:

- اعتقاد به توانایی‌های ذاتی اسلام برای رهبری



در فکر و اندیشه مؤثران قدرتمند و اندیشمندان زمانش نفوذ کند، آن‌ها را به «بازگشت به خویشتن» دعوت کند و قدرت و نفوذ از دست رفته جهان اسلام را برگرداند. هرچند تفکر بزرگش در عصر و زمان خودش محقق نشد، ولی اندیشه و تلاشش منشأ اثرات فراوانی شد که به تعبیر شهید مطهری «سلسله جنیان نهضت‌های اصلاحی در صد ساله اخیر گردید.» ایده سیدجمال، که همان احیای قدرت اسلامی در سایه وحدت مسلمانان بود، در دهه‌های بعد متفکرانی چون جلال آل احمد، دکتر علی شریعتی و شهید مرتضی مطهری را به خود جلب کرد. اینان در حوزه اندیشه و ترویج بازگشت به خویشتن مؤثر واقع شدند، اما حضرت امام خمینی (ره) در جامعه عمل پوشاندن به این تفکر نقش بی‌بدیلی ایفا نمود. در ادامه نقش فردی هر کدام از این افراد را می‌آوریم:

جلال آل احمد

جلال آل احمد از نویسندگان و روشنفکرانی بود که با نوشتن کتاب «غرب‌زدگی» در تنویر افکار عمومی، خصوصاً جوانان نقش مؤثری داشت. او قدیمی فکر نمی‌کرد. ولی برای مقابله با غلبه فرهنگ غرب بر هویت ایرانی، جدی بود و بر استفاده از مذهب، به عنوان بخشی از سنت و اهرمی وحدت‌بخش که می‌تواند مانعی سر راه نفوذ فرهنگی غرب باشد، تأکید می‌ورزید. او در کتاب غرب‌زدگی نوشت: «چاره ما در برابر تندبادی که از جانب غرب می‌وزد این است که به

دستگیره سنت آویزان شویم. غرب‌زده، زن صفت و هرهری مذهب و پا در هوا و راحت‌طلب و بی‌تخصص و بی‌شخصیت و قرتی و چشم به دهان غرب است.»

این تعبیر، فهم و درک مرحوم جلال آل احمد از مفهوم بازگشت به خویشتن است که در جایگاه و موقعیت خاص زمانش، بر افکار عمومی، خصوصاً جوانان، برای مقابله با فرهنگ غرب که راه غلبه بر فرهنگ ایرانی - اسلامی را در پیش گرفته بود، تأثیری ژرف گذاشت.

دکتر علی شریعتی

دکتر علی شریعتی، با جایگاه علمی و انبوه نوشته‌هایش و با نگرشی انقلابی و نو به فرهنگ و اندیشه اسلامی، موجی

مسلمانان و تأمین نیرومندی و پیشرفت آنان؛

- مبارزه با روحیه تسلیم‌پذیری، گوشه‌نشینی و بی‌حرکتی؛
- بازگشت به منابع اصیل اندیشه اسلامی؛
- تبیین تعالیم اسلام به زبان روز و فراخواندن مسلمانان به یادگیری علوم جدید؛
- مبارزه با استعمار و استبداد به مثابه نخستین گام در راه نوزایی اجتماعی و فکری مسلمانان؛
- تلاش در راه گسترش حضور روحانیت در مبارزات سیاسی و برداشتن مرزهای موهوم بین دیانت و سیاست به ویژه در جوامع اهل تسنن.

او با تلاشی وافر برای تحقق اهدافش سفرها می‌کرد و از افغانستان تا هند و اروپا، آفریقا و روسیه را در نوردید. کوشید

بین جوانان و روشنفکران ایجاد کرد که حتی مخالفان او هم نمی‌توانند نقش مؤثرش را در وفات جامعه قبل از انقلاب انکار کنند. او با نوشته‌هایش در حوزه شناخت اندیشه و ایدئولوژی اسلامی، خصوصاً با نوشتن کتاب «بازگشت به خویشتن»، جاذبه‌ها آفرید. او در عصری که تفکر ناسیونالیستی و پان‌ایرانیستی حاکمیت داشت و مرموزانه با فرهنگ اسلامی تحت عنوان این که اسلام فرهنگ عرب است، مقابله می‌کرد، در این کتاب نوشت: «وقتی مسئله بازگشت به خویشتن مطرح است، برای من مذهبی یا تسوی غیرمذهبی که هر دو در مسئولیت اجتماعی‌مان مشترک هستیم و به تفاهم مشترک رسیده‌ایم، مسئله تبدیل می‌شود از بازگشت به خویشتن به بازگشت به فرهنگ خویش و شناختن آن خویشتن که ما هستیم و در این مسیر مطالعات است که می‌رسیم به بازگشت به فرهنگ اسلامی؛ و اسلام نه به عنوان یک سنت، وراثت و یک نظام اعتقادی موجود در جامعه، بلکه اسلام به‌عنوان یک ایدئولوژی؛ اسلام به‌عنوان یک ایمان که آگاهی دارد و آن معجزه را در همین جامعه‌ها پدید آورد. در حقیقت تکیه براساس احساس موروثی دینی و یا یک احساس خشک روحانی نیست، بلکه یک نیروی

وحدت‌بخش پویایی است که می‌تواند در جامعه ما بین همه اقشار وحدت ایجاد کند و در برابر تهاجم و ناتوی فرهنگی غرب به وفات اجتماعی برسد.»
به این ترتیب، هویت ایرانی-اسلامی که متأثر از

فرهنگ غرب در حال مسخ شدن بود، حیاتی دوباره پیدا کرده و پویا شد و بین جوانان روشنفکر موج به‌وجود آورد، که گامی مؤثر در جهت تحقق انقلاب اسلامی ایران شد.

شهید مرتضی مطهری

بدون تردید یکی از مؤثرترین شخصیت‌ها در تکوین و تکامل انقلاب اسلامی شهید مرتضی مطهری است. وی قبل از انقلاب اسلامی همه تلاش فکری خود را، در حوزه و دانشگاه، صرف طرد فرهنگ غرب و بازگشت به فرهنگ اصیل اسلامی کرد. مطهری برای مقابله با فرهنگ غرب کتب و مقالات متعددی نوشت. بارزترین نوشته‌هایش در این راستا کتاب‌های «خدمات متقابل ایران و اسلام»، «پیرامون انقلاب اسلامی»، «تهذیب‌های

اسلامی در صد سال اخیر» و «احیای تفکر اسلامی» است. در ابتدای شروع مقابله با فرهنگ غرب، به دلیل پراکندگی و تفرقه مسلمانان و مصلحان اجتماعی، وضعیت اتحاد مسلمانان خصوصاً در تعارض با غرب چنان در موضع ضعف بود که شهید مطهری در این خصوص نوشت: «ترس ما تنها از این است که ظاهر خیره‌کننده فرهنگ اروپایی از حرکت ما جلوگیری کند و از رسیدن به ماهیت واقعی آن فرهنگ عاجز بمانیم... بزرگ‌ترین عیب فرهنگ اروپا این است که می‌خواهد، به‌تنهایی کشتی بشریت را از مهلکه نجات دهد» [مطهری، ۱۳۸۵: ۱۳].

اما بعد از این که کار فرهنگی اندیشمندان مسلمان در صد سال اخیر در چهره انقلاب اسلامی متبلور شد و به پیروزی رسید، روزنه امید در دل‌ها گشوده شد. تلاش‌ها به بار نشست و رستاخیزی به پا شد که براساس آن می‌توان گفت که صبح صادق پیروزی مسلمانان نزدیک است. به‌گونه‌ای که شهید مطهری در کتاب «پیرامون انقلاب اسلامی» نوشت: «به گمان من وقت آن رسیده است که نوای بازگشت به فرهنگ اصیل اسلامی، نه‌تنها در جامعه ما که در سراسر کشورهای اسلامی طنین‌انداز شود و در آن صورت دور نخواهد بود که صدای شکستن زنجیرهای بندگی و بردگی



را بشنویم و شاهد اقتدار دوباره ملل مسلمان باشیم.» [مطهری، ۱۳۶۶، پیرامون انقلاب اسلامی: ۱۲۴].

حال بعد از گذشت بیش از سه دهه از عمر انقلاب ایران، با بیداری اسلامی ملل مسلمان، این خواسته که روزگاری

بیشتر به یک رؤیا شبیه بود، می‌رود که جامعه عمل بپوشد. گردبادی که به تعبیر جلال آل احمد از سوی غرب وزیدن گرفته بود و ما باید در مقابل آن برای نجات خودمان به دستگیری سنت چنگ می‌زدیم، اینک به‌طور وارونه به طوفانی سهمگین علیه غرب و منافع آن تبدیل شده و می‌رود تا بنیاد بی‌عدالتی و ظلم سرمایه‌داری را به‌هم بریزد.

امام خمینی، بازگشت عملی به هویت ایرانی-اسلامی

آنچه که از سیر تاریخی می‌آموزیم و اثر اجتماعی آن را می‌بینیم، تأثیرات رهبران و افراد مؤثر بر تغییر و تحول

جامعه است. نخستین تغییرات ابتدا در فکر و اندیشه رهبران، بعد در رفتار آنان و آن‌گاه در رابطه بین رهبران و توده‌های مردم متجلی می‌شود. ابتدا گروه‌ها از رهبری متأثر می‌شوند و در نهایت به کل جامعه سرایت می‌کند و موجبات تحولات اجتماعی و انقلاب می‌شود. یکی از رهبرانی که در دوره معاصر منشأ تحولات جهانی و منطقه‌ای بوده و هویت ایرانی-اسلامی را عملاً از سیطره نفوذ فرهنگ غرب نجات داد، **امام خمینی (ره)** است. به تعبیر **آنتونی گیدنز**، جامعه‌شناس مشهور معاصر: «چهره اصلی و مسلط در انقلاب اسلامی، آیت‌الله خمینی بود که تفسیری تازه و انقلابی از افکار شیعی به عمل آورد» [گیدنز، ۱۳۸۸: ۸۱۲].

اعتراض امام (ره) در سال ۱۳۴۲ به کاپیتولاسیون و لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و تبعید ایشان توسط رژیم شاه، نقطه عطفی در تاریخ ایران شد که به لحاظ فکری، آگاهی دهنده، متحول‌کننده و حرکت‌بخش بود. وی یک تحرک فکری و عملی را در وجدان و رفتار ملت ما بنیاد نهاد که تا آن موقع در تاریخ ایران بی‌سابقه بود در حالی که رژیم پهلوی به‌طور همه‌جانبه از طرف آمریکا حمایت می‌شد، اعتراض کرد و آن را نامشروع خواند. به دنبال آن، توسط رژیم شاه تبعید شد. برای مردم واقعاً سؤال برانگیز شد که چرا امام باید تبعید شود. وقتی وجدان جمعی جامعه در این خصوص قضاوت کرد، به این جواب رسید که او مجتهد جامع‌الشرایطی است که به دلیل دفاع از عزت یک ملت این‌گونه راست قامت در مقابل استعمار و استبداد ایستاده است. پس شیفته و مفتونش شدند. روح جمعی ملت چنان از این حرکت متأثر شد که هرگز آن را از یاد نبرد و آن را به حافظه تاریخی‌اش سپرد.

سال‌ها گذشت، اما نه تنها این خاطره تاریخی از ذهن جمعی ملت ایران محو نشد، بلکه روز به روز گسترده‌تر شد تا زمینه و بستر لازم برای بازگشت تاریخ‌ساز امام از تبعید فراهم آمد. این تأثیر فرد بر جمع به‌صورت یک موتور محرکه قوی ابعاد متعددی پیدا کرد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

- موجب وفاق اجتماعی بی‌نظیری در جامعه ایران، و در نتیجه براندازی رژیم شاهنشاهی در ایران شد.
- موجب وحدت بی‌سابقه‌ای شد که در پناه آن، جنگ نابرابر هشت ساله‌ای با از خود گذشتگی فرزندان ایران رهبری شد و کسانی در این مکتب تربیت شدند که نشان دادند با دست

خالی می‌توان در مقابل دشمن تا بن دندان مسلح ایستاد، مقاومت کرد و پیروز شد.

- ملت ایران به هویت ایرانی-اسلامی با ویژگی ستیزندگی آشتی‌ناپذیر با تهاجم فرهنگ غرب دست یافت. تا آن موقع بی‌سابقه بود که کشوری بدون وابستگی به غرب یا شرق بتواند مقاومت کند و به حیات سیاسی‌اش ادامه دهد.

- سبب وحدت خدشه‌ناپذیر ملت شد. به تبعیت از مقاومت‌های رهبری که با همه فشارهای طاقت‌فرسا که از غربی‌ها خصوصاً آمریکا وارد می‌شد، دچار کاستی و نقصان نشد. مردم ایران با پشتیبانی از رهبری در روز استقبال از ایشان، وحدت تاریخی بی‌سابقه‌ای را نشان دادند. این حمایت و پشتیبانی از رهبری، در روز رحلت و تشییع ایشان از طرف امت که با سختی‌ها و مرارت‌های ناشی از مقاومت در برابر نیرنگ‌های استعمار روبه‌رو بود، ذره‌ای کم نشد و به شکلی بی‌نظیر و منحصر به فرد به نمایش درآمد.

- بعد از سه دهه مقاومت، می‌تواند الهام‌بخش بیداری اسلامی در منطقه و بین مسلمانان باشد، و به آنان پیغام دهد که با رهبری واحد، قاطع و آشتی‌ناپذیر می‌توان با فرهنگ غرب مبارزه کرد، به الگوی اسلامی متحد و مقتدر رسید و رنسانس اسلامی و تجدید حیات علمی و اقتدار آن را محقق ساخت. می‌توان تلاش نظریه‌پرداز اسلامی و بیدارگر شرق، **سیدجمال‌الدین اسدآبادی** را ارج نهاد و مقاومت بی‌نظیر امام (ره) را مداوم بخشید و در سایه فرمان آسمانی «و اعتصموا بحبل الله»، به اقتدار و عزت اسلامی نائل شد.

منابع

۱. قرآن کریم، شرح و تفسیر آیت‌الله مکارم شیرازی، سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.
۲. آل احمد، جلال. غریب‌دگی.
۳. شریعتی، علی. بازگشت به خویشتن. مجموعه آثار.
۴. گیدنز، آنتونی. تغییر اجتماعی. ترجمه حسن چاوشیان. نشر نی. تهران. چاپ سوم، ۱۳۸۸.
۵. مطهری، مرتضی. پیرامون انقلاب اسلامی. انتشار صدر. تهران. ۱۳۶۶.
۶. ----- . خدمات متقابل اسلام و ایران. انتشارات صدر. تهران. چاپ چهاردهم، ۱۳۶۶.
۷. ----- . احیای تفکر اسلامی. انتشارات صدر. تهران. ۱۳۸۵.
۸. ----- . نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر. انتشارات صدر. تهران. چاپ سی‌ویکم، ۱۳۸۵.
۹. سایت ویکی‌پدیا.